



مجموعه مطالب پیرامون جنبش

دست افراطی «پگیدا» در آلمان

بته جعفری، فرامرز عبلا و آرام نوبخت

صفحه	فهرست
۳	پایان پگیدا؟
۶	رهبر سوسیال دمکرات های آلمان، در جبهه جنبش راست‌گرای «پگیدا»
۱۰	پگیدا در مقابل اعتراضات علیه کاستن از خدمات اجتماعی ایستاده است!
۱۳	در پس تظاهرات های مهاجرتی «پگیدا» چه می گذرد؟
۲۱	«پگیدا» و کارزار حکومت آلمان برای میلیتاریسم
۲۶	قدرتمندان آلمان بذرهای «پگیدا» را می کارند
۳۰	«پگیدا» و چرخش به راست در سیاست آلمان
۳۳	آلمان: ده ها هزار نفر علیه جنبش راست‌گرای «پگیدا» دست به اعتراض می زنند

## پایان پگیدا؟

آلترناتیو سوسیالیستی (SAV)

برگردان: آرام نوبخت

سعی کنیم که تظاهرات های راسیستی با حضور هزاران شرکت کننده، به یک امر معمول و طبیعی تبدیل نشود.

«لوتس باخمان»، که استعفایش به عنوان رهبر «پگیدا» ظاهراً مدت هاست فراموش شده، در مقام سخنران در این تظاهرات ها حضور داشت. سخنران اصلی، «گوتس کوییتشک» بود؛ یعنی نویسنده و بازیگر اصلی جنبش «راست جدید» (Neue Rechte) که از حمایت عمیق نازی ها برخوردار است و پیش-تر در تظاهراتی در «لایپزیک» صحبت کرده بود. کمیته سازماندهی «پگیدا»، درباره «باخمان» و «لگیدا» (شاخه پگیدا در لایپزیک) و نهایتاً انشعاب بحث و جدل هایی کرده بود. با این حال شکاف موجود بر سر این نبود که جنبش باید به پناهندگان حمله کند یا اسلام؛ بلکه مسأله این بود که سازمان تا چه حد علنی باید خود را با «هولیگان» های نازی یا سازماندهان شاخه های به مراتب راست تر «پگیدا» در «لایپزیک» و «زول» معرفی کند؛ و آیا کسی می تواند مانند «لوتس باخمان» از خودش عکسی به شکل هیتلر بگیرد و با این حال هنوز هم جنبش را رهبری کند؟

از اکتبر سال گذشته تاکنون، تظاهرات هایی از سوی راست‌گرایان علیه «اسلامی شدن» اروپا، موسوم به «پگیدا»، در شهر «درسدن» همراه با اعلام موجودیت شاخه هایی در گوشه و کنار آلمان سازمان یافته است. به دنبال انشعاب در درون گروه سازمانده «پگیدا»، تعداد شرکت کنندگان در هر دو جناح به جای مانده از انشعاب، سقوط کرده است. با این حال آن ها هنوز از صحنه محو نشده اند و نازی ها هم-چنان آمادگی خود را برای توسل به خشونت به معرض نمایش گذاشته اند. هنوز زمان آن نیست که احتیاط خود را کنار بگذاریم.

طبق آمارهای پلیس، دو هزار تظاهرکننده پگیدا در ناحیه «نوی مارکت» واقع در نزدیکی شهر «درسدن» آلمان، عصر دوشنبه ۹ فوریه تجمع کردند. برخی اعتقاد دارند که این رقم بیش از حد پایین است و در عوض از ۳ هزار نفر صحبت می کنند. با این حال در قیاس با نقطه اوج جنبش «پگیدا»، این رقم بیانگر یک سقوط قابل توجه است. اما ما هم‌چنان باید

«آلترناتیو برای آلمان» (AfD)، حزب محافظه کار راست و پوپولیست جدید، که خود را طی یک سال گذشته تثبیت کرد و وارد انتخابات شد، در حمایت خود از «پگیدا» مردّد بوده است. با وجود سخنرانی های نژادپرستانه شدید اللحن چهره اصلی آن، «الکساندر گولاند» (AfD)، این حزب با نازی های جنبش «پگیدا» که با تصویر و جهت گیری حزب هم-خوانی ندارند، مشکل پیدا کرد. به همین دلیل، AfD از گروه انشعابی میانه رو تر سخنگوی سابق پگیدا، «کاترین اورتل» حمایت کرد و به تملق و چاپلوسی به او متوسل شد. آن ها تحت عنوان «دمکراسی مستقیم برای اروپا»، نزدیک به ۵۰۰ هوادار را در تاریخ ۸ فوریه بسیج کردند.

انشعاب، پرده از تناقضات میان جناح های مختلف موجود در «پگیدا» و گروه سازمانده آن برداشت. «اورتل» و هواداران او، بیش تر نماینده جناح راست «حزب سوسیال دمکرات» (CDU) و حزب راست گرا و پوپولیست AfD بودند، در حالی که «باخمان»، «زیگفرد دابریتس» و شرکا، بیش تر به سوی بخش هایی از حزب «راست جدید» تمایل دارند و می خواهند در HoGeSa (هولیگان ها علیه سلفیست ها)، حزب نئونازی NPD و

سایر گروه ها درگیر شوند. آن ها هنوز در تلاشند که مردم را از طریق تهییج به ضدیت با روسیه، و همانند اورتل، از طریق بهره برداری از جو عمومی ضد توافقنامه TTIP (مشارکت تجاری و سرمایه گذاری ترانس آتلانتیک)، بسیج کنند.

«زهدانی که از آن بیرون خزید، هم چنان نیرومندتر می شود...»

آیا آن چه «برتولت برشت» در نمایشنامه «صعود ممانعت پذیر آرتورو اوئی» درباره هیتلر و فاشیست ها نوشت، عاقبت پایان داستان پگیدا خواهد بود؟ نزاع میان گروه سازمانده جنبش، بسیاری از مردم دور از تظاهرات را به وحشت انداخته است. با این وجود، حتی اگر اعتراضات تا قد و قواره یک هسته سخت هم آب برود، باز هم این هسته به شکل رعب انگیزی بزرگ است. لایه محافظه کار خرده بورژوازی، که تا زمان فقدان یک آلترناتیو ملموس از سوی چپ پذیرای عقاید نژادپرستانه است، هنوز وجود دارد. برای بخشی از این لایه، پیش داوری ها و عقاید نژادپرستانه تثبیت شده است. اعتراضات جدید نژادپرستانه علیه سکونتگاه های پناهجویان، اسلام و غیره، می تواند باری دیگر

زیر پرچم «پگیدا» یا یک سازمان دیگر صعود کند. نازی ها و راسیست ها اعتماد به نفس جدیدی یافته اند و تندروی بیش تر بخش هایی از هواداران «پگیدا» امکان پذیر است. روز جمعه ۶ فوریه، ۴۰ نازی با مشعل هایی در دست در مقابل یک منزل پناهجویی در «دورتموند» تجمع کردند. آن ها در وقت مناسب این تهدیدها را به عمل تبدیل خواهند کرد. حملات به منازل پناهندگان طی روزهای اعتراضات «پگیدا»، دو برابر یا طبق برخی آمارهای دیگر حتی سه برابر شد.

مقاومت، تعیین کننده است

هر کسی که رسانه های بورژوایی را نگاه کند، این احساس را پیدا خواهد کرد که مشکل اصلی «پگیدا»، نزاع درونی میان رهبران آن است. با این حال مشکل این جنبش اساساً مقاومتی است که در خیابان ها علیه نژادپرستی صورت می گیرد. اعتراضات مخالف، فشار را روی «پگیدا» بالا برده و به انشقاق در میان نیروهای آن انجامیده است. بسیج نیروهای مخالف، به این منجر شد که مردم در مورد «پگیدا»، AfD و شرکا، دربارهٔ مواضع و مهم تر از همه آلترناتیوهای آن ها صحبت کنند.

برپایی اعتراضات مخالف، به شکل قابل توجهی گسترش «پگیدا» در سرتاسر آلمان و اروپا را با مانع رو به رو کرده است. بنیانگذاری هر شاخه از «پگیدا» در نقاط مختلف، با مقاومت توده ای رو به رو شده است، به طوری که طی تنها یک روز ۱۰۰ هزار نفر از مردم به نشانهٔ اعتراض به خیابان ها می آیند. در «فرایبورگ» ۲۰ هزار نفر در تظاهرات مخالف «پگیدا» شرکت کردند که بزرگ ترین تظاهرات در تاریخ این شهر بود. بسیاری از جوانان که نژادپرستی احمقانهٔ «پگیدا» را منجرکننده یافتند، به این اعتراضات پیوستند.

این گروه نتوانسته است در سرتاسر اروپا گسترش پیدا کند؛ به علاوه مقاومت در برابر آن به سادگی به دیگر نقاط صادر شده است. به عنوان مثال در شهر «مالمو»ی سوئد، ۳ تا ۵ هزار ضد فاشیست در تاریخ ۹ فوریه علیه تعدادی از تقلیدکنندگان «پگیدا» دست به تظاهرات زدند.

اعتراضات مخالفین در «درسدن» و سرتاسر آلمان نشان می دهد که اگر سازمان هایی نظیر «حزب چپ» و اتحادیه های کارگری واقعاً دست به عمل بزنند، به مردم توضیح بدهند و آن ها را بسیج کنند، چنین نتایجی را می توان

## رهبر سوسیال دمکرات های آلمان، در جبهه جنبش راست‌گرای «پگیدا»



اولریش ریپرت، ۹ فوریه ۲۰۱۵

برگردان: آرام نوبخت

«زیگمار گابریل»، رهبر حزب سوسیال دمکرات (SPD) طی مصاحبه ای با مجله آلمانی «اشترن» به این پرسش که آیا جنبش ضد اسلامی پگیدا را باید جزئی لاینفک از بافت جامعه آلمان در نظر گرفت یا خیر، با این گفته پاسخ داد که: «قطعاً. فارغ از این که کسی دوست داشته باشد یا نه، این یک حق دمکراتیک است که کسی راست‌گرا یا ناسیونالیست آلمانی باشد».

نظرات «گابریل»، یک تلاش آگاهانه برای مشروعیت بخشیدن به عقاید فاشیستی است. تنها ۸۲ سال از زمانی می‌گذرد که سیاستمداران راست‌گرا و ناسیونالیست آلمان نقشی کلیدی در به قدرت رساندن هیتلر ایفا

انتظار داشت. آن‌ها باید یک آلترناتیو چپ در پاسخ به نگرانی از آینده، کمبود مسکن و جنگ، ارائه کنند و دست به افشای پاسخ‌های سطحی «پگیدا»، AfD و شرکا بزنند. این رویکرد، راسیست‌ها را عقب می‌راند و شکست خواهد داد.

تداوم حضور در خیابان‌ها در روزهای دوشنبه تا زمانی که شاخه‌های «پگیدا» محو شوند، حیاتی است. یک فرصت برای اعتراض در سطح ملی، تظاهرات «دردسدن» در ۲۸ فوریه خواهد بود؛ شماری از سازمان‌ها با ابتکار عمل خود فراخوان به یک اعتراض ملی زیر عنوان «برای یک زندگی بهتر در کنار هم - همبستگی با پناهجویان» در این تاریخ داده‌اند. مسدود کردن مسیر از سوی نیروهای ضد فاشیست، همانند موردی که در «دورتموند» به تاریخ ۲۸ مارس برنامه ریزی شد، با توجه به تهدید فعلی بسیار مهم است.

۲۴ فوریه ۲۰۱۵

<http://www.socialistworld.net/doc/7100>

کردند. «فرانتس فون پاپن»، سیاستمدار دست راستی حزب «میانه» و «آلفرد هوگنبرگ»، ناسیونالیست آلمانی، مهم‌ترین وزرای نخستین کابینه هیتلر بودند.

جنبش «اروپایی‌های میهن پرست علیه اسلامی شدن غرب» (به اختصار «پگیدا»)، گرایش‌های فاشیستی آشکاری را به معرض نمایش می‌گذارد. همان‌طور که ناری‌ها زمانی از یهودی‌ستیزی استفاده کردند، پگیدا نیز از اسلام‌ستیزی بهره می‌برد تا خشم اقشار دلسرد طبقه متوسط و عناصری که جایگاه طبقاتی خود را از دست داده‌اند به سوی مجاری نژادپرستانه و راست هدایت کند. بنیانگذار پگیدا، «لوتس باخمان»، که خود سوء پیشینه کیفری دارد، اخیراً پس از اشاره به پناهندگان به عنوان «گله گوسفند»، «آشغال» و «کثافت» و انتشار عکسی آنلاین از خود در شکل و شمایل هیتلر، وادار به استعفا شد.

والدین نگران کودکان مهاجر در «درسدن» گزارش داده‌اند که دیگر به فرزندان خود اجازه بیرون بودن از منزل در روزهای دوشنبه را نمی‌دهند، چرا که تظاهرات پگیدا اغلب در این روز برگزار می‌شود.

وقتی گابریل از «حقوق دمکراتیک» صحبت می‌کند، مطلقاً چیزی از حفاظت در برابر سرکوب و اذیت و آزار دولتی نمی‌گوید. پگیدا سرکوب نمی‌شود. برعکس، این جنبش از سطحی باورنکردنی از پوشش رسانه‌ای برخوردار است. روزنامه‌های آلمان صفحات بسیاری را به گزارش درباره فعالیت‌های این جنبش اختصاص داده‌اند. سخنگوی پگیدا، «کارتین اورتل»، به یک برنامه گفتگوی پرمخاطب دعوت شد و سیاستمداران مهم، از حزب دست راستی اتحاد سوسیال مسیحی گرفته تا حزب چپ، بر نیاز به «جدی گرفتن نگرانی‌های آن‌ها» و «گوش سپردن به آنان» تأکید می‌کنند.

پگیدا هر دوشنبه بدون هرگونه مداخله پلیس، در سرتاسر شهر «درسدن» راهپیمایی داشته است. تنها کسانی که با جنبش مخالفت کردند، تظاهرکنندگان مسالمت‌آمیزی بودند که علیه شعارهای نژادپرستانه و تبلیغات ضد اسلامی پگیدا اعتراض نمودند. اگر «گابریل» تلاش کند تحت این شرایط به دفاع از پگیدا کشیده شود، این به آن معناست که او قویاً درحال جانبداری از ارادل و اوباش در برابر کسانی است که همزیستی مسالمت‌آمیز مردم با

ریشه‌ها و فرهنگ‌های مختلف را تشویق می‌کنند.

«گابریل» دو هفته پیش با هواداران پگیدا در «درسدن» ملاقات کرد تا به زعم خود درباره ترس‌های موجه آن‌ها صحبت کند. اکنون او فراتر از این می‌رود و دارد به گسترش عقاید فاشیستی آن‌ها زیر پوشش «حق دموکراتیک» مهر تأیید می‌زند.

در هیچ جایی از قانون اساسی آلمان چنین حقی وجود ندارد. در قانون اساسی از حق آزادی عقیده و اجتماع به طور کلی دفاع شده است و نه به طور خاص حقوق راست‌گرایان و ناسیونالیست‌های آلمان. قابل توجه است که این‌گونه فرمول بندی، از جانب رهبر حزبی مطرح می‌شود که در دهه ۱۹۷۰ خود ممنوعیت‌های شغلی را برای منتقدین چپ-گرای سرمایه‌داری معرفی و مطرح کرد.

پشتیبانی «گابریل» از پگیدا را ضرورتاً باید در بستر تشدید سریع بحران بین‌المللی سرمایه‌داری و رشد خطر جنگ نگاه کرد. همان‌طور که تروتسکی در سال ۱۹۳۳ نوشت: «فاشیسم، تفاله‌های جامعه را از نو برای سیاست کشف کرد». «گابریل» از این رو سرگرم حمایت از پگیدا است که عقب‌مانده‌ترین عناصر جامعه

را علیه کارگران و تمام کسانی که پرچم ضدیت با حملات اجتماعی و جنگ را بالا می‌برند، بسیج کند.

در سایر کشورها نیز عناصر اصلی سوسیال‌دمکرات مشغول همکاری با راست‌گرایان افراطی و فاشیست‌ها هستند. به عنوان نمونه در فرانسه، پرزیدنت فرانسوا اولاند (حزب سوسیالیست) از حمله تروریستی اخیر به مجله طنز شارلی ابدو، برای دعوت از رهبر راست افراطی «جبهه ملی»، «مارین لوپین» به کاخ الیزه و پرده برداری از یک کارزار تبلیغاتی علیه مسلمانان، بهره برداری کرد.

حزب سوسیال‌دمکرات از زمان رأی مثبت به اعتبارات جنگی در سال ۱۹۱۴ و در جریان جنگ جهانی اول، یکی از مهم‌ترین حامیان حاکمیت سرمایه‌داری در آلمان بوده است. در سال ۱۹۱۸-۱۹، این حزب بود که قیام انقلابی کارگران را سرکوب نمود. در اوایل دهه ۱۹۳۰، به کارشکنی در مقاومت در برابر هیتلر پرداخت و از دستگاه دولتی «وایمار» که به قدرت‌گیری نازی‌ها یاری رساند، دفاع نمود. اما حتی آن زمان هم کارگران بسیاری در صفوف حزب سوسیال‌دمکرات بودند و نازی‌ها وادار شدند که پس از سرکوب حزب



کمونیست، حزب سوسیال دمکرات را منحل نمایند.

امروز حزب سوسیال دمکرات خود مسئولیت روحیه بخشیدن به نیروهای افراطی راست گرا را به عهده دارد. حزب سوسیال دمکرات تمام و کمال خود را از ریشه هایش در جنبش کارگری جدا کرده و همان برنامه رفرم اجتماعی را که در دوره پسا جنگ مورد دفاع قرار می داد و حمایت بسیاری از کارگران را با خود داشت، به کناری نهاده است.

با اجرای قوانین «هارتس» طی ۱۵ سال گذشته، حکومت ائتلافی سوسیال دمکرات ها-سبزها وحشیانه ترین حملات در آلمان در دوره پسا جنگ را آغاز نمود. «اوتو شیلی»، وزیر داخله، حقوق دمکراتیک را محدود و در عوض پلیس و نهادهای اطلاعاتی را تقویت کرد. «فرانک والتر اشتاین مایر» از حزب سوسیال دمکرات، طی یک سال گذشته در حال جهت دهی به احیای میلیتاریسم آلمان بوده است. درست مانند دهه ۱۹۳۰، این سیاست ها شانه به شانه بنا نهادن جنبش های راست افراطی و فاشیستی پیش می رود.

در همان حال که حمایت «گابریل» از پگیدا روشن می شود، حزب سوسیال دمکرات اکنون

مشغول ایفای نقشی محوری است. تصادفی نیست که با وجود کارزار تبلیغاتی نژادپرستانه او علیه مسلمانان، «تیلو سارازین» در حزب سوسیال دمکرات باقی می ماند. تصادفی نبود که جلسه ای به رهبری «سارازین» در «درسدن»، رویدادی کلیدی در پدیدار شدن پگیدا بود که به برنامه خود علیه مسلمانان جامعه عمل پوشانده است.

از زمان وحدت دوباره آلمان، ترکیب اجتماعی حزب سوسیال دمکرات نیز به طور قابل توجهی تغییر کرده است. چهارصد هزار نفر از مجموعاً ۹۰۰ هزار نفر، حزب را ترک کرده اند، به خصوص تمام کارگران و کارمندان رده پایین تر. حزب سوسیال دمکرات، حزب مقامات دولتی، بوروکرات های اتحادیه های کارگری و دیگر جاه طلبانی است که با کمک کارت عضویت خود در حزب سوسیال دمکرات از نبردهای ترقی اجتماعی بالا می روند و تنها خفت و شرم سازی برای طبقه کارگر دارند.

<http://www.wsws.org/en/articles/2015/02/09/germ-f09.html>

## پگیدا در مقابل اعتراضات علیه کاستن از خدمات اجتماعی ایستاده است!

از سایت آلترناتیو سوسیالیستی

SAV – Sozialistische Alternative

برگردان فرامرز عباد

یک ماه است که پگیدا در شهر درسدن، هزاران نفر را به خیابان ها کشانده تا خشم آن ها را به دلیل کاهش رفاه اجتماعی، کاهش حقوق بازنشستگی، افزایش کرایه خانه و هم چنین طرح هارتز ۴، به پناهندگان و مهاجران نشان دهد!

آن ها این مهاجران و پناهندگان را به عنوان عامل کاهش رفاه اجتماعی معرفی می کنند و در نتیجه افکار عمومی را از مجرمان واقعی منحرف می سازند. برای حاکمان بانک ها و شرکت های بزرگ و هم چنین خانم مرکل و شرکایش، خارجی ستیزان بسیار مفید هستند، هر چند اگر گاهی علیه پگیدا حرفی هم زده باشند. بنابراین از دید آن ها چون ما این جا به دنیا آمده ایم، باید به مهاجران بی اعتماد باشیم، چرا که آن ها می توانند حقوق بازنشستگی را پایین بیاورند، خصوصی سازی کنند و مالیات را بالا ببرند!

بنابراین پگیدا برای مقابله با مشکلات، کاهش خدمات اجتماعی و حقوق بازنشستگی و مقابله با جنگ، دقیقاً به تقویت راسیسم و تضعیف ما می انجامد. پگیدا کاری علیه صاحبان سرمایه که باعث کاهش خدمات اجتماعی هستند، نمی کند. تروریست های پاریس هم ضد انقلاب هستند، چون آن ها هم سعی دارند که مذهب را دوباره زنده کنند. از زمانی که در شهر درسدن، بخش گوربیتز، مهاجران در بلوک پیش ساخته اسکان داده شده اند، چندان نمی گذرد که علیه آن ها امضا جمع کردند، چرا؟ چون برای افرادی که در آن جا زندگی می کردند کرایه خانه گران شده بود، صاحب خانه ها نمی توانند خانه ها را خوب حفظ کنند. نگرانی آن ها درست است، اما دقیقاً در جهت مخالف قرار دارد؛ چرا که مهاجران و پناهندگان هم دقیقاً از این مسائل رنج می برند، مثل کسانی که در آن جا متولد شده اند. چرا در درسدن خانه های مسکونی کم هست و کرایه خانه بالا می رود؟ چون مسکن به بخش خصوصی واگذار شده، برای این که سرمایه داران آن قدر مسکن نمی سازند که کرایه ها بالا برود و از مسکن سود بیشتری ببرند. اگر کسی بخواهد در مقابل آن ها کاری بکند، باید در مقابل بازار مسکن قرار

گیرد. و این زمانی مقدورهست که همه مستأجران با هم باشند. راسیسم جلوی این کار را می گیرد و آن ها را وادار می کند به جای مقابله با سرمایه داری و سیاستی که به نفع مالکان هست، علیه مهاجران و پناهندگان قرار بگیرند.

پول برای همه به اندازه کافی هست

پول برای همه به اندازه کافی هست، اما فقط بد تقسیم شده! سرمایه داری باعث نابرابری ها و مشکلاتی می شود که همه ما از آن رنج می بریم، چه آن هایی که این جا متولد شده اند و چه مهاجران. ثروتمندان آلمانی ۳۵.۷ درصد تمام ثروت را در اختیار دارند، حدوداً بالای ۳.۷ میلیارد یورو؛ با این پول می توان در آلمان تمام بدهکاری ها را پرداخت کرد و ۱.۶ میلیارد هم برای کارهای دیگر می ماند؛ می توانند مدرسه و بیمارستان درست کنند، مشکل مسکن را حل کنند و فقر را از بین ببرند. براین اساس ۵۰ درصد مردم فقط ۱ درصد ثروت را در اختیار دارند و زیر ۲۸ درصد هیچ چیزی ندارند و فقیر هستند. در این نابرابری ها مهاجران و پناهندگان مقصر نیستند. آن ها هم مثل افرادی که این جا به دنیا آمده اند، در رنج و عذاب هستند.

قدرتمندان و پگیدا

طی هفته گذشته صدر اعظم آلمان خانم مرکل (از حزب محافظه کار دمکرات مسیحی) و سیاستمداران دیگر مثل وزیر ایالت زاکسن، تیلیش، از مردم خواستند که در راهپیمایی پگیدا دیگر شرکت نکنند. چرا که مهاجران باعث رشد ایالت زاکسن شده اند. آیا این سیاست مداران ضد راسیست شده اند؟ آن ها در طول هفته این طور وانمود کردند، اما سؤال این است که چرا دقیقاً در همین زمان قوانین ضد پناهندگی تصویب کرده اند؟ بعد از شروع دهه ۹۰، وضعیت برای مهاجران بسیار دشوار شده است. قوانین راسیستی ضد مهاجر اجازه می دهد که پناهنده را در تاریکی شب دستگیر کرده و بازگشت دهند؛ به درخواست کنندگان پناهندگی اجازه نمی دهند که منطقه خود را ترک کنند، به آنان اجازه کار نمی دهند تا در زیر خط فقر اجتماعی بمانند که این خود باعث ناهنجاری های اجتماعی می شود.

چه باید کرد؟

این کاملاً روشن است که سیاست احزاب سیاسی در قدرت، از حزب محافظه کار دمکرات مسیحی تا سوسیال دمکرات ها و سبزه ها، برای حفظ منافع سرمایه داران، بانک

ها و تراست ها است. این زمانی تغییر می کند که ما متحد شویم، این جا همگی از کارگران اتحادیه ها و حزب چپ آلمان انتظار دارند که به میدان بیایند، برای مقابله با از بین بردن خدمات اجتماعی، علیه طرح هارتز ۴، برای بالا بردن دست مزد ها، حقوق بازنشستگی، برای توزیع ثروت از بالا به پایین و ... چپ ها باید یک آلترناتیو سوسیالیستی ارائه کنند.

باید مهاجران و آلمانی ها با یکدیگر علیه از بین بردن خدمات اجتماعی و راسیسم متحدانه عمل کنند. از بین بردن قوانین ضد پناهندگی همچون بازگشت دادن پناهنده، نداشتن اجازه کار و دیگر قوانین راسیستی.

برای ایستادن در مقابل پگیدا، چپ ها و تمام کارگران و اتحادیه های باید متحدانه عمل کنند.

آمار کوچک در مورد مهاجران و آوارگان

بر طبق آمارهای موجود در سراسر جهان ۱۹.۷ میلیون انسان از محل زندگی خود فراری هستند. اولین مکانی که بیشترین آوارگان را در خود جای داده، کمپ های سازمان ملل در پاکستان هست با ۱.۶ میلیون نفر آواره؛ آوارگان سوریه با ۸۵۰,۰۰۰ نفر در لبنان هستند و

لبنان خود یک کشور کوچک چهار میلیونی است. در آلمان طبق آمار ۲۰۱۴ حدوداً ۱۸۰ هزار نفر تقاضای پناهندگی داده اند که این رقم در سال ۱۹۹۲، ۴۴۰ هزار نفر بود. اما اکنون در شهر درسدن حدود ۲ هزار نفر پناهجو زندگی می کنند. با حفظ همین شرایط، این رقم تا سال ۲۰۱۶ به حدود ۳۹۰۰ نفر می رسد، یعنی به عبارت دیگر ۰.۸٪ کل جمعیت که در آن مسلمان درسدن حدود ۰.۴٪ را تشکیل می دهند!

طبق آمار مؤسسه پژوهش اقتصادی اروپا ۶.۶ میلیون نفر در آلمان بدون پاسپورت زندگی می کنند که هر نفر در سال به صندوق اجتماعی ۳.۳۰۰ یورو بیشتر از آلمانی ها نسبت به آن چیزی که دریافت می کند، پرداخت می نماید.

بنابراین اقتصاد آلمان از مهاجران بدون پاسپورت ۲۲ میلیارد یورو استفاده می برد.

<https://www.sozialismus.info/2015/01/pegida-stoppen-sozialabbau-bekaempfen/>

## در پس تظاهرات های مهاجرتیز «پگیدا» چه می گذرد؟



ولفرام کلاین (آلترناتیو سوسیالیستی)

برگردان: آرام نوبخت، ویراستار: بتی جعفری

طی هفته های های اخیر، آلمان شاهد رشد تظاهرات هایی در دفاع و علیه «پگیدا» («اروپایی های میهن پرست علیه اسلامی شدن غرب» یا «مغرب زمین») بوده است؛ جنبشی اعتراضی که ماه اکتبر گذشته در شهر «درسدن» واقع در ایالت «زاکسن»، شرق آلمان، آغاز شد. «پگیدا» خیلی زود شتاب گرفت و اعتراضات هفتگی موسوم به «تظاهرات های دوشنبه» در «درسدن»، از چند صد نفر (در ۲۰ اکتبر) به هزاران نفر تا پیش از سال نورسید.

در همان حال که تظاهرات های مشابه، اما کوچک تری، در دیگر شهرهای آلمان وجود

داشته است، موج بزرگ تری از تظاهرات های مخالف آن که به ۳۵ هزار شرکت کننده نیز می رسید، به چشم خورده است.

روز ۱۲ ژانویه به گفته رسانه های آلمان، این کشور شاهد حضور بیش از ۳۰ هزار شرکت کننده در تظاهرات های «پگیدا» در شهرهای مختلف بود، در حالی که بالغ بر ۱۰۰ هزار نفر در اعتراضات مختلف «ضد پگیدا» شرکت جستند. بزرگ ترین تجمع اعتراضی «پگیدا» در شهر «درسدن» بود، جایی که ۲۵ هزار نفر شرکت کردند. اما در «لایپزیگ»، شهر دیگری به فاصله ۱۱۵ کیلومتری آن در ایالت «زاکسن»، ۴۸۰۰ نفر در دفاع از پگیدا و ۳۰ هزار نفر علیه آن حضور یافتند.

«تظاهرات های دوشنبه»

بسیج «پگیدا» برای «تظاهرات های دوشنبه» اساساً از طریق شبکه های اجتماعی آغاز شد. این تلاشی بود برای تقلید از سنتی که به انقلاب پاییز ۱۹۸۹ علیه حکومت استالینیستی وقت در آلمان شرقی بازمی گردد. در آن مقطع، «تظاهرات های دوشنبه» در «لایپزیگ» (زاکسن) آغاز شد و به زودی به جنبشی توده ای در سرتاسر آلمان شرقی بدل شد که نقش بزرگی در سرنگونی رژیم

استالینیستی ایفا نمود. این جنبش که به عنوان یک انقلاب سیاسی برای حقوق دمکراتیک و علیه حاکمیت استالینیستی آغاز شد، به بازگشت سرمایه داری ختم گردید، به طوری که طبقه حاکم آلمان فرصت را برای وحدت کشور در سال ۱۹۹۰ بر مبنای نظام خود قبضه کرد.

از آن زمان تاکنون، تلاش های متعددی برای احیای این سنت اعتراضی صورت گرفته است. در سال ۱۹۹۱، تظاهرات هایی توده ای هر دوشنبه علیه کاهش عظیم مشاغل در آلمان شرقی صورت می گرفت، یعنی زمانی که اقتصاد برنامه ریزی شده سابق، خصوصی گشته بود. در سال ۲۰۰۴، تظاهرات هایی توده ای در آلمان شرقی (و تظاهرات های کوچک-تری در آلمان غربی) علیه معرفی کاهش رفاه عمومی (قوانین بدنام «هارتس») شکل گرفت. در بهار ۲۰۱۴ نیز اعتراضات کوچک تری در روزهای دوشنبه با عنوان «بیداری برای صلح» وجود داشت که، در بسیاری موارد، مخالفت با موضع متخاصمانه امپریالیسم غرب در نزاع اوکراین را با عقاید سردرگم و ارتجاعی (نظیر تئوری های توطئه، سفیدکاری و توجیه وجهه پوتین و غیره) ترکیب می کرد.

این آخرین «تظاهرات های دوشنبه» در «درسدن»، مدعی پیگیری همین سنت هستند. آن ها از شعارهای سال ۱۹۹۸ (به خصوص شعار «ما مردم هستیم») استفاده می کنند، اما محتوایی کاملاً جدید و ارتجاعی به آن داده اند.

«لوتس باخمان»، سازمانده اصلی آن ها، کارنامه طولانی از جنایت دارد (حمله، دزدی، سرقت، همراه داشتن داروهای غیرقانونی و غیره). در سال ۱۹۹۸، او برای فرار از حکم زندان به آفریقای جنوبی گریخت، اما به آلمان دیپورت و بازگردانده شد. اکنون او علیه اتباع ظاهراً مجرم بیگانه، نفرت پراکنی می کند.

او ادعا می کند که مخالفتش با تظاهرات اکتبر ۲۰۱۴ کردها در همبستگی با نبرد علیه داعش در شهر کوبانی، دلیل او برای فراخواندن این تظاهرات های اخیر بوده است. بنابراین این جنبش ادعایی علیه اسلامی شدن، نخست با نفرت علیه کسانی برانگیخته شد که راسخ ترین مبارزین علیه اسلام سیاسی ارتجاعی بودند.

به هر رو ترس از اسلامی شدن عمیقاً غیرمنطقی است، چرا که تنها ۵ درصد جمعیت آلمان مسلمان هستند. و متخصصین

خرده بورژوازی خشمگین و مستأصل

یک چنین جنبش نامعقولی را چه طور می توان توضیح داد؟ اکثر کسانی که در «درسدن» اعتراض می کنند، از پیش‌زمینه طبقة متوسط می آیند. این، جنبش اخص طبقة متوسطی است که از انحطاط اجتماعی در هراس است. در آغاز دهه ۱۹۹۰، بسیاری از مردم با بازگشت سرمایه داری به آلمان شرقی، مشاغل خود را از دست دادند. لایه ای از آن‌ها به خوداشتغالی، یعنی به پیشه‌وری، کار آزاد و غیره، روی آورد. آن‌ها به سختی کار می کنند تا ابتدایی ترین نیازها و مایحتاجشان رفع شود و از این می ترسند که موقعیت اقتصادی شان وخیم‌تر شود و ورشکسته گردند. البته موقعیت اقتصادی آلمان هنور به مراتب بهتر از سایر بخش‌های اروپا است، اما رشد اقتصادی آن طی چند سال گذشته بسیار نحیف بود.

به علاوه، مردم می توانند به سادگی این احساس را پیدا کنند که آلمان، جزیره ثبات در دریای بحران است و از این بترسند که مبادا این جزیره هر لحظه در دریا غرق شود. بنابراین ترس از انحطاط اجتماعی فردی با ترس از انحطاط اجتماعی جمعی آلمان ترکیب می شود. برای مردمی که پاسخ را در مبارزه

سرشماری انتظار دارند که این رقم تا سال ۲۰۳۰ به ۷ درصد افزایش پیدا کند. در «زاکسن»، کم‌تر از یک درصد مسلمان هستند. از سوی دیگر، در آلمان شرقی دیگر یک سنت نیرومند مسیحی وجود ندارد. بالغ بر ۷۵ درصد جمعیت «زاکسن» در سال ۲۰۱۱، تابع هیچ مذهبی نبودند. در نتیجه این که سخنگویان «پگیدا» به سنت غرب مسیحی - یهودی استناد می کنند، بی‌پایه است. بخش اعظم تاریخ واقعی مسیحیت سازمان‌یافته در اروپا، ضدیت وحشیانه با یهودیت بوده است.

اما تحریفات تاریخی از این دست، نشان می دهد که آن‌ها در تلاش اند تا از خوردن برچسب‌هایی که سنتاً به راست‌گرایان افراطی زده می شود، مانند یهودی‌ستیزی، اجتناب کنند. آن‌ها در فهرست اولیه مطالبات خود ادعا کردند که مدافع حق پناهندگی برای افراد مورد آزار و اذیت یا گریخته از جنگ هستند. سازمان دهندگان «پگیدا» مدعی هستند که تنها مخالف پناهجویان اقتصادی، اتباع خارجی مجرم و غیره هستند. اما گزارش‌های رسیده از این «تظاهرات‌های دوشنبه»، نشان می دهد که این ادعاها صرفاً پوشش هستند.

طبقاتی، و راه حل بحران سرمایه داری را در سوسیالیسم نمی بینند، طبیعی به نظر می رسد که به ناسیونالیسم به عنوان ابزاری برای محافظت از «جزیره» آلمانی ها در برابر محاصره بحران نگاه کنند. این امر از آن جهت بیشتر مصداق دارد که رسانه های سرمایه داری و سیاستمداران برای تفرقه اندازی و حکومت کردن، ناسیونالیسم و نژادپرستی را چندین دهه به عنوان راه حل معرفی کرده اند.

در اواخر دهه ۱۹۸۰ و اوایل دهه ۱۹۹۰، یک کارزار تبلیغاتی وسیع علیه پناهجویان وجود داشت. از زمان حادثه یازده سپتامبر، جوّ ارباب علیه مسلمانان وجود دارد، و مسلمانان، خشن و عقب مانده ترسیم می شوند. روزنامه های تبلیغی، گزارش های مضک و احمقانه ای درباره مسیحیت زدایی و اسلامی شدن منتشر می کنند: ادعا می شود که «بازارهای مسیحی» به اجبار به «بازارهای زمستانی» تغییر نام یافته اند، ترانه های اسلامی به مردم مسیحی ارائه و معرفی می شود، «جشن فانوس» روز «سن مارتین»، به جشن «خورشید، ماه و ستاره» تغییر نام یافته است و غیره. از سال ۲۰۱۰، رسانه های آلمان و سیاستمداران به بروز پیش داوری هایی علیه

مردم «تنبل» اروپای جنوبی (به خصوص یونان) دامن زده اند.

دو سال پیش حزب جدیدی با نام «آلترناتیو برای آلمان» (AfD) بنیان گذاشته شد. خصلت آن هنوز به طور کامل روشن نیست، چرا که حزب جدیدی است. گرایش های پوپولیست و محافظه کار راست‌گرا در آن وجود دارد. مسأله اولیه آن، بحران یورو بود و این حزب از آلمان می خواست که واحد پول یورو و نه اتحادیه اروپا را ترک کند. از آن جا که این بحران موقتاً مهار شده بود، AfD موضوعات دیگری را علم کرد. در انتخابات عمومی سال ۲۰۱۳، AfD نتوانست حدّ نصاب ۵ درصد آرای لازم برای ورود به پارلمان را به دست بیاورد، اما از آن زمان به بعد، آن ها در پارلمان اروپا و در سه پارلمان ایالتی در آلمان شرقی (از جمله زاکسن) انتخاب شدند.

در یازده ماه نخست سال ۲۰۱۴، افزایشی ۵۵ درصدی در شمار پناهجویان وجود داشت (به دلیل پیامدهای جنگ داخلی سوریه و غیره). در برخی اماکن، پناهگاه های جدیدی برای پناهجویان افتتاح شد. در بسیاری موارد، فاشیست ها و راسیست ها اعتراضاتی را علیه این پناهگاه های جدید سازمان دادند. حمله



به پناهگاه‌ها در «زاکسن»، طی سال ۲۰۱۴ سه برابر شد.

عامل مهم دیگر، این احساس مردم شرق آلمان است که منافع آن‌ها واقعاً در بالا نمایندگی نمی‌شود؛ همان‌طور که سرپرست «شورای مهاجرت» اعلام کرد، بسیاری از مردم شرق آلمان «احساس می‌کنند که صدایی ندارند». طبقه حاکم، اساساً از آلمان غربی است، با وجود آن‌که که دو منصب بالا در ساختار سیاسی رسمی، یعنی رئیس‌جمهور و صدر اعظم، در حال حاضر از سوی مردم شرق آلمان حمایت می‌شوند.

متأسفانه «حزب چپ»، با وجود پایگاه انتخاباتی عموماً نیرومند خود در شرق، قادر به هدایت کارزارهای مداومی که راه برون‌رفتی را پیشنهاد کند، نبوده است. و این یکی از دلایل آن است که چرا نتایج انتخابات، زمین حاصلخیزی را برای عقاید راست افراطی در «درسدن» مهیا کرده است. در انتخابات محلی مه ۲۰۱۴، ۱۸ هزار و ۳۴۱ نفر (۲.۸ درصد) در «درسدن» به حزب راست افراطی NPD رأی دادند، در حالی که ۴۶ هزار و ۳۰۹ نفر دیگر (۷ درصد) به AfD رأی دادند.

یک دلیل برای عقاید راسیستی در آلمان شرقی، درصد پایین مهاجرین است. به آن معنا که بسیاری از مردم محلی، به زحمت تجربه‌ای فردی از شناخت مردمی با ریشه‌های خارجی دارند. بنابراین تصویر آن‌ها، عمیقاً با عقایدی راسیستی شکل می‌گیرد که در روزنامه‌های تلوویدی و دیگر رسانه‌های جمعی پخش می‌شود.

برخی مفسرین مدافع ساختار حاکمیت موجود، از این واقعیت به خشم می‌آیند که در «درسدن»، تظاهرات‌ها فراتر از ظن و تردیدهای معمول فعالین راست افراطی می‌رود. آن‌ها ادعا می‌کنند که اکثر تظاهرکنندگان «از میانه جامعه» می‌آیند. این درست است. اما راسیسم، بیگانه‌ستیزی و اسلام‌هراسی در این «میانه جامعه»، به خصوص در طبقه متوسط، شایع است.

با این حال ظهور «پگیدا» را اجتناب‌ناپذیر دانستن، درست نیست. اقشار خرده‌بورژوازی خود به خود مرتجعین راسیست نیستند. در واقعیت امر، بسیاری از مردمی که در تظاهرات‌های مخالف «پگیدا» شرکت کردند، در شرایط اقتصادی و اجتماعی مشابهی زندگی می‌کنند. اگر جنبش کارگری راه حلی برای بحران

سرمایه داری ارائه می کرد، می توانست بخش های بزرگی از طبقه متوسط را پشت سر خود صف کند. متأسفانه سال هاست که سطح پایینی از مبارزه طبقاتی در آلمان وجود داشته است. «حزب چپ» هم هیچ آلترناتیو روشنی ارائه نمی کند.

در «زاکسن»، «حزب چپ» تحت تسلط جناح راست آن قرار دارد. در «درسدن»، اکثریت اعضای شورای شهر در «حزب چپ»، به فروش کلیه ۴۸ هزار مسکن اجتماعی در سال ۲۰۰۶ رأی دادند (این به انشعاب در درون اعضای شورای شهر در «حزب چپ» منجر شد، اما حزب را در کل بی اعتبار کرد). با این حال نیروهای چپ و ضد فاشیست ها می توانستند «پگیدا» را در نطفه خفه کنند، منتها اگر تا زمانی که پگیدا کوچک بود، برای اعتراضات ضد آن بسیج شده بودند. اما این فرصت از دست رفت.

خارج از «درسدن»

اما ضد فاشیست های باقی آلمان، از این اشتباه درس گرفتند. از ماه دسامبر، تلاش های متعددی برای تقلید از «پگیدا» در دیگر نقاط وجود داشته است. در اکثر موارد، سازمان دهندگان، افرادی از سازمان های پوپولیست

راست‌گرا یا فاشیست بودند. این بسیج ها کوچک بودند (مانند تظاهرات های اولیه پگیدا در درسدن) و تظاهرات های مخالفین، آن ها را به چالش کشید. اغلب هزاران نفر از مردم با ایجاد مانع، از راهپیمایی و تظاهرات های «پگیدا» جلوگیری می کردند. این مورد به عنوان مثال در کلن و برلین در تاریخ ۵ ژانویه ۲۰۱۵ رخ داد.

اعضای «آلترناتیو سوسیالیستی» (SAV)، شاخه کمیته انترناسیونال کارگری یا CWI در آلمان) از آغاز در این تظاهرات ها شرکت نمودند. در کلن و هامبورگ، رفقا فرصت داشتند تا برای هزاران نفر از مردم در تظاهرات های مخالف پگیدا صحبت کنند.

موقعیت طبقه حاکم متناقض است. آن ها به حفظ سلاح تفرقه انداختن و حکومت کردن خود علاقه مندند. به همین خاطر است که وقتی ضروری بدانند، اسلام‌هراسی و راسیسم را برای انحراف توجه عمومی از مشکلات واقعی دامن می زنند. اما در حال حاضر آن ها کاملاً مخالف یک جنبش راسیستی مثل «پگیدا» هستند. چون این می تواند به بی ثباتی ای بیانجامد که از کنترل خارج شود؛ می تواند توریست های خارجی و کارگران ماهری

را که سرمایه داری آلمان به دلیل کاهش جمعیت کشور به آن‌ها نیازمند است، بترساند. با وجود مهاجرت بالای اخیر به داخل، جمعیت کشور بالغ بر ۱ میلیون نفر از سال ۲۰۰۸ کاهش یافته، و کارفرمایان بر نیاز خود به وارد کردن کارگر پافشاری می‌کنند، اگرچه وقتی اقتصاد بعداً وارد رکود شود این امر احتمالاً فرق می‌کند. اما در وضعیتی که دستمزدها سال‌ها پایین نگاه داشته شده و اجاره‌ها در برخی شهرها به سرعت رو به صعود است، وقتی سایر بخش‌های کشور به خصوص در شرق از جمعیت‌زدایی (رشد منفی جمعیت) لطمه می‌بینند، انگیزه کارفرمایان برای وارد کردن کارگر، می‌تواند به افزایش خشم و نارضایتی بیانجامد.

سیاستمداران اصلی سرمایه داری نگران از دست دادن آرای خود در برابر AfD در صورت تقویت این حزب از سوی «پگیدا» هستند. در نتیجه رسانه‌ها و سیاستمداران سرمایه داری، فراخوان به تظاهرات‌های مخالف «پگیدا» می‌دهند (اما نه برای سد کردن مسیر راهپیمایی‌های آن‌ها). این متناقض است. از یک سو، این به بسیج مردم کمک کرد، به طوری که ۳۵ هزار نفر روز ۱۰ ژانویه ۲۰۱۵ در برابر «پگیدا» در شهر «درسدن» راهپیمایی کردند. از سوی

دیگر، قابل‌باور نیست که رسانه‌ها و سیاستمداران به پگیدا حمله کنند، چرا که آن‌ها در دیپورت کردن‌ها شرکت دارند، مسئول تبدیل مدیترانه به گورستان جمعی پناهجویان هستند، و مهاجرین را به «خوب» (افرادی حرفه‌ای مورد نیاز سرمایه داری) و «بد» (مابقی مهاجرین) تقسیم می‌کنند و غیره.

اعضای SAV در این تظاهرات‌ها حاضر بوده‌اند تا چنین ریاکاری را افشا کنند. بسیاری دیگر از سخنرانان اساساً اخلاق‌گرایی را پیشنهاد می‌کنند، دعوت به صبر و بردباری و کثرت می‌کنند... درخواست‌هایی که اصولاً برای متقاعد کردن تنها آن دسته کسانی به کار می‌رود که نیازی به متقاعد شدن ندارند. این اخلاق‌گرایی، کاملاً از پاسخ به احساس عدم امنیت به عنوان پیامد بحران‌های سرمایه داری، ناتوان است. اگر جنبش علیه «پگیدا» قادر به ارائه پاسخی به این نگرانی‌های واقعی نباشد، در این صورت یک بحران جدید اقتصادی، جنگ‌های جدید و حملات تروریستی مانند نمونه پاریس، منجر به جذب نیروهای جدید به «پگیدا» خواهد شد.

پس از حمله تروریستی به «شارلی ابدو»

اسام‌هراسان «پگیدا» ادعا می‌کنند که حملات تروریستی در پاریس، اثباتی بر مواضع آن هاست و اعلام کردند که تظاهرات‌های خود در روز دوشنبه ۱۲ ژانویه را به عنوان «راهپیمایی‌های یادبود» برای قربانیان برگزار خواهند کرد. البته این یک ریاکاری جدید بود، چرا که شارلی ابدو به همتایان فرانسوی پگیدا حمله کرد. در واقع سازمان دهندگان «پگیدا» و متعصبین راست‌گرای اسلام سیاسی، وجوه مشترک بسیاری دارند. هر دو تضاد طبقاتی را فراموش و «نبرد فرهنگ‌ها» را به جای آن تبلیغ می‌کنند. هر دو از چپ، جنبش متشکل کارگری و حقوق دمکراتیک نفرت دارند.

پس از حملات تروریستی در پاریس، سوسیالیست‌ها بر ضرورت دفاع از حق بیان و آزادی بیان تأکید کرده‌اند. برخی افراد شاید ایجاد مانع در برابر تلاش‌ها برای راه‌انداختن راهپیمایی‌های پگیدا در نواحی جدید را تناقض این موضع‌گیری ببینند. اما این راهپیمایی‌ها، کاربست آزادی بیان نیست. طی هفته‌های گذشته، افزایشی در خشونت فاشیستی علیه مهاجرین و فعالین چپ وجود داشت. موفقیت‌های پگیدا، این خشونت را تشویق می‌کند. مایوس کردن آن‌ها از طریق بسیج موفقیت‌آمیز مخالفین، از جمله ایجاد

مانع و سد مردمی در برابر راهپیمایی آن‌ها، مطلقاً جایز است.

#### مطالبات آلترناتیو سوسیالیستی

دسامبر گذشته، آلترناتیو سوسیالیستی، تصمیم گرفت که موضوعات جنگ، پناهندگان و راسیسم را به عنوان تمرکز فعالیت ما طی دوره پیش رو برجسته کند.

پس از تظاهرات‌های بزرگ ضد پگیدا در ۵ ژانویه، ما یک نسخه ویژه دو صفحه‌ای از مقاله خود را با استدلال‌هایی علیه «پگیدا» و پیشنهادهایی برای ایجاد جنبشی علیه آن منتشر کردیم. ما توضیح می‌دهیم که راسیسم، تنها علیه مهاجرین نیست، بلکه به شکاف و تضعیف طبقه کارگر خدمت می‌کند. ما اتحادیه‌های کارگری و «حزب چپ» را به سازماندهی یک کارزار اطلاع‌رسانی علیه «پگیدا» و راسیست‌ها با انتشار جزواتی در محل کار و مسکن‌های اجتماعی و برای تجمعات توده‌ای و تظاهرات ملی، فرامی‌خوانیم.

ما خواهان مبارزه مشترک کارگران مهاجر و آلمانی و بیکاران برای آموزش، رفاه، و مسکن و برای مشاغل مناسب هستیم؛ سایر مطالبات،

## «پگیدا» و کارزار حکومت آلمان برای

### میلناریسم

کریستوف درایر، ۹ ژانویه ۲۰۱۵

برگردان: آرام نوبخت، ویراستار: بتی جعفری

روز دوشنبه، بیش از ۱۵ هزار نفر در تظاهرات جریان راست‌گرا و ضد اسلامی «پگیدا» در شهر «درسدن» آلمان شرکت کردند.

طی ۱۲ هفته گذشته، جریان موسوم به «اروپایی‌های میهن‌پرست علیه اسلامی شدن غرب» (پگیدا)، هر دوشنبه تظاهرات‌هایی را مرکز شهر «درسدن» سازمان داده است. راست‌گرایان افراطی، نظیر سازمان فاشیستی «حزب دمکراتیک ملی» (NDP)، در سطح کشور برای تظاهرات‌های «درسدن» بسیج شده‌اند.

این بزرگ‌ترین تظاهرات‌های راست‌گرایان افراطی از زمان پایان دیکتاتوری نازی‌ها، یک تغییر و تحول خودانگیخته نیست. از شواهد روشن است که مردم بسیار دیگری برای اعتراض علیه «پگیدا» به خیابان‌ها آمده‌اند.

در واقع، تظاهرات‌های راست‌گرایان به طور سیستماتیک از سوی بخش‌های مهمی از حاکمیت سیاسی و رسانه‌ها، ساخته و

علیه راسیسم و «دژ اروپا»<sup>(۱)</sup>، صدور تسلیحات و اعزام نظامیان آلمان به خارج است که با اعمال مالکیت عمومی بر بانک‌ها و شرکت‌ها، همکاری دمکراتیک و برنامه ریزی پایدار و یک دمکراسی سوسیالیستی جهانی، به اوج می‌رسد.

(۱) «دژ اروپا» (Festung Europa)، یک اصطلاح تبلیغاتی نظامی از جنگ جهانی دوم بود که به نواحی تحت اشغال آلمان نازی در قاره اروپا اشاره داشت - م

<http://www.socialistworld.net/doc/7037>



پرداخته و پشتیبانی شده است. تظاهرکنندگان «پگیدا» هفته به هفته از سرتاسر آلمان و نواحی حومه «درسدن» بسیج شده اند و می توانستند روی پوشش خبری بی سابقه رسانه ها نیز اتکا کنند.

بسیج عقب مانده ترین لایه های اجتماعی، مستقیماً مرتبط با افزایش تحریکات و تدارکات نظامی آلمان برای جنگ است. به دنبال اظهارات رسمی یک سال پیش پرزیدنت «یواخیم گوک»، وزیر خارجه «فرانک والتر اشتاینمایر» و وزیر دفاع «اورزولا فون در لاین» مبنی بر این که دوره منع نظامی آلمان به سر رسیده است، کارزاری بی وقفه در محافل سیاسی و رسانه ها وجود داشته است که از موقعیت ناکافی ارتش آلمان و نیاز به حمایت بیشتر برای نظامیان گلایه می کند.

مثل همیشه، تداعی میلیتاریسم، ارتباط تنگاتنگی با حمایت از احزاب و گروه های راست گرا و بسیج کردن آن ها دارد.

«توما دو مزیر» از «اتحاد دمکرات مسیحی» (CDU) و «بودو راملو»، نخست وزیر ایالت «تورینگن» از «حزب چپ»، به عنوان سیاستمداران اصلی، همدردی خود را با

تظاهرات ها اعلام داشته و پیشنهاد ورود به مذاکراه با افراد فاشیست را داده اند.

رسانه ها توجه بی تناسبی به تظاهرات هایی داشته اند که در ابتدا بسیار کوچک بودند؛ به علاوه پلاتفرمی را برای سازماندهان و شرکت کنندگان ارائه کرده اند تا شعارهای شووینیستی آن ها را گسترش دهند.

«کریستینا شرودر»، وزیر سابق خانواده و عضو کنونی CDU در پارلمان، از تظاهرات های مقابل «پگیدا» انتقاد کرد. او در ماه دسامبر گذشته به موجه بودن «نگرانی ها درباره اسلام گرایی» اشاره کرد. به گفته وزیر سابق، اسلام گرایی یک مشکل حقیقی است.

طی چند هفته گذشته، تلاش رو به رشد برای نهادینه کردن تظاهرات های «پگیدا» و بهره برداری از آن به عنوان اهرمی برای چرخش بیش تر به راست در عرصه سیاست رسمی آلمان وجود داشته است. روز چهارشنبه، «فراوکه پتری»، معاون سرپرست سازمان ضد اروپایی و راست گرای «آلترناتیو برای آلمان» (AfD)، با سازماندهان «پگیدا» ملاقات کرد تا همکاری احتمالی را ارزیابی کند. «پتری» پیش از این ملاقات گفته بود که برنامه «پگیدا»،

«نقاط تقاطع بسیاری با دیدگاه های سیاسی AfD دارد».

این همکاری از حمایت پرنفوذ مجاری رسانه هایی نظیر روزنامه «فرانکفورتر آلگماینه سایتونگ» (FAZ) برخوردار است. «برتولد کولر»، از ناشرین آن، در ماه دسامبر خواهان این بود که مطالبات «پگیدا» جدی گرفته شود و «یک سیاست مهاجرت دنبال شود که صراحتاً در جهت منافع ملی باشد».

شماره یک‌شنبه روزنامه FAZ، صفحات خود را به سوی سرپرست دوم AfD، یعنی «کنراد آدام» گشود. در یک مقاله میهمان با عنوان «چگونه مسیحیان ترک ها را عقب نشانند»، او شووینیسیم خود را آشکار می کند و با اشتیاق درباره «نبرد لپانتو» که در ۷ اکتبر ۱۵۷۱ میلادی رخ داد، می نویسد. «در این نبرد، نیروهای متحد دولت شهرهای اسپانیا، مالت و ایتالیا، ناوگان دریادار ترک علی پاشا را نابود کردند».

«آدام»، محترمانه تجربه و کارآمدگی خود را در ارتباط با پرچم این جنگ توصیف می کند. او ادعا کرد که این پرچم، بیانگر این واقعیت است که «نیروهای مسیحی» نشان دادند «به مراتب منظم تر و نیرومندتر» هستند. این

مقاله، آشکار یک هدیه نفرت انگیز به «پگیدا» است.

«آدام» ابتدا قادر بود که سم راسیستی خود را در سرمقاله ۱۷ دسامبر روزنامه FAZ گسترش دهد. او ضمن این که گویا استعمار وحشیانه در خاورمیانه و دو جنگ جهانی هرگز رخ نداده اند، اعلام کرد که اسلام، برخلاف مسیحیت، متکی بر خشونت است. به علاوه، جهان مسیحی از دوره روشنگری عبور کرده است که اسلام‌گرایان هیچ چیز از آن نمی دانستند. به همین خاطر است که «آدام» می گوید ضروری بود که این مسأله در ارتباط با پناهجویان مطرح شود: «آیا آن ها به این جا تعلق دارند؟» یا «آیا آن ها مایل و قادر به ادغام شدن هستند؟»

«اشپرینگر»، از انتشارات مهم آلمان نیز از «پگیدا» حمایت می کند. روز جمعه، مفسر ارشد «ولت گروه»، «ژاک شوستر» شکایت کرد که منتقدین حق پناهجویی در آلمان، «خیلی سریع به عنوان راست‌گرایان افراطی برچسب خوردند» و مشمول «کارزار بی‌سابقه افترا و بدگویی» شدند.

تشویق و حمایت رسانه ها و سیاستمداران از این جمعیت فاشیست، بخشی از یک چرخش

جامع به راست در سیاست آلمان است. در طی سال گذشته، نه فقط اقدامات ریاضتی در اروپا تشدید شده اند، بلکه، مهم تر از هم، بازگشت میلیتاریسم آلمان تدارک دیده شد.

سیاست متجاوزانه حکومت آلمان نسبت به روسیه و مداخلات آن در خارومیانه، وسیعاً از سوی مردم طرد شده است. برای اجرای یک سیاست خارجی متخصصانه علیه اپوزیسیون، تفاله ها و ته مانده های جامعه اکنون بسیج می شوند. همان طور که تا پیش جنگ های اول و دوم جهانی شاهد بودیم، نخبگان حاکم در حال توسل به شووینیسم و بیگانه هراسی به منظور پیشبرد برنامه امپریالیستی و میلیتاریستی خود هستند.

این تحولات به هیچ وجه محدود به خیابان های «درسدن» نیست. در دانشگاه های آلمان، تاریخ در حال تجدیدنظر است و جنایات میلیتاریسم آلمان، دست کم گرفته می شود. هدف، آماده سازی زمینه برای احیای ناسیونالیسم آلمانی است.

پروفسور «یورگ بابرفسکی» که سرپرست دپارتمان تاریخ اروپای شرقی در دانشگاه «هومبولت» است، در ماه فوریه به «در اشپیگل» گفت که «هیتلر بیمار روانی و

تبهکار نبود». همکار او، پروفسور «هرفرید مونکالر» گفت که «پیگیری یک سیاست خارجی مسئولانه ناممکن خواهد بود، اگر هر کسی این چشم انداز را داشته باشد که ما مقصر همه چیز هستیم».

با کمک چنین جعلیات و تحریفات تاریخی که با کارزار رسانه ای شنیعی درهم آمیخته، جنایات جدیدی در حال رقم خوردن هستند. سیاست های متخصصانه امپریالیسم آلمان، درست مانند ۸۰ سال پیش، به حرکت به سوی دیکتاتوری و بسیج عناصر فاشیستی گره خورده است.

در نتیجه مبارزه علیه «پگیدا»، باید در پیوند تنگاتنگ با مبارزه علیه میلیتاریسم و تمامی احزاب سیاسی بورژوازی مشوق آن باشد. این، در عوض، مستلزم مبارزه ای سرسختانه و تسلیم ناپذیر برای افشای آن دسته ریاکاران درون حکومت است که در ظاهر مخالف «پگیدا» سخن گفته اند، اما تمام و کمال از برنامه امپریالیستی هیئت حاکم حمایت می کنند.

باید یادآوری کرد که ارکستر مخالفت با پگیدا در درون محافل حاکم، درست در زمانی افزایش یافت که تظاهرات های مخالف



«پگیدا» شروع به یافتن خصلتی توده ای کرد و مطبوعات خارجی نیز آغاز به تهیه گزارش از تظاهرات های راست‌گرایان «پگیدا» نمودند.

«آنگلا مرکل»، صدر اعظم آلمان در سخنرانی سال نوی خود تظاهرات ها را مورد انتقاد قرار داد. به گفته مرکل، شعار مورد استفاده پگیدا- «ما مردم هستیم»- مورد سوء استفاده جنبش توده ای ۲۵ سال پیش قرار گرفته بود که به سقوط دیوار برلین و فروپاشی آلمان شرقی انجامید. اکنون به گفته مرکل، این شعار از طرف «پگیدا» استفاده می شود تا به خارجی ها بگویند که «شما به خاطر نژاد و مذهب خود به این جا تعلق ندارید». مرکل ادامه داد که مهاجرت، «به نفع همه هست».

روز سه شنبه، صدراعظم سابق، «هلموت اشمیت» (از حزب سوسیال دمکرات، یا SPD) که اکنون ۹۶ ساله است، علیه تظاهرات ها صحبت کرد و گفت: «آلمان باید در برابر دنیا باز و بردبار، و بنابراین یک "نه به پگیدا"ی روشن باشد!» جانشین او، «گرهارد شرودر» (SPD)، در روزنامه «بیلد سایتونگ» خوهان «برخاستن تمام مردم شریف» علیه تظاهرات راست‌گرایان شد.

ریاکاری این بیانیه ها خیره کننده است. این SPD بود که در سال ۱۹۹۳ از تضعیف کامل حق پناهندگی در آلمان پس از جنگ به دست CDU، دفاع کرد. از آن زمان به بعد، حکومت ها یکی پس از دیگری خود را به حفاظت از آلمان در برابر پناهندگان وقف کرده اند. در طی ۱۵ سال گذشته، ۲۵ هزار مهاجر تنها در مدیترانه غرق شده اند، آن هم در نتیجه تشدید کنترل اروپا بر مرزها با حمایت حکومت های آلمان. با این وجود وقتی پناهجویان به آلمان رجوع می کنند، آن ها در اتاق هایی نامناسب و غیرانسانی جا داده می شود، منازلی که در آن ها در معرض سوء استفاده و شکنجه قرار دارند.

«گرگور گیزی» و «حزب چپ»، در حال ایفای نقش به ویژه مهلکی هستند. هدف از فراخوان این حزب برای «اتحادی متشکل از کلیه دمکرات ها علیه پگیدا»، مشخصاً حمایت از سیاست حکومت است که به بسیج راست-گرایان انجامیده.

تنها نقطه اتکا برای یک مبارزه مؤثر علیه هم میلیتاریسم و هم خطر راست‌گرایان و سازمان های فاشیستی اولیه، نظیر «پگیدا»، بسیج سیاسی طبقه کارگر بر مبنای یک برنامه سوسیالیستی و بین‌المللی است.

## قدرت‌مداران آلمان، بذرهای جنبش راست «پگیدا» را می‌کارند



کریستوفر درایر

۱۹ دسامبر ۲۰۱۴

برگردان: آرام نوبخت، ویراستار: بتی جعفری

تظاهرات جنبش «اروپایی‌های میهن پرست علیه اسلامیزه شدن غرب» (Pegida)، محصول کارزار سیستماتیکی است که از سوی سیاستمداران و رسانه‌های آلمان علیه نه فقط مهاجرین، که همین‌طور کل طبقه کارگر دامن زده می‌شود.

دوشنبه گذشته پلیس ادعا کرد که نزدیک به ۱۵ هزار نفر برای تظاهرات ضد اسلامی گرد آمده بودند. هرگز در گذشته افرادی با این تعداد به چنین اعتراضاتی نپیوسته بودند. شرکت‌کنندگانی که از سرتاسر آلمان سفر کرده بودند، تردیدی درباره دیدگاه‌های

ارتجاعی و ماوراء راست خود برجای نگذاشتند.

اعتراض‌کنندگان علاوه بر پرچم‌های متعدد آلمان، پلاکاردهایی با شعارهایی مانند «پول بیش‌تر برای فرزندان ما و نه کلاهبرداران پناهجو»، «نه به قوانین شریعت در اروپا» و «علیه جنگ‌های مذهبی در خاک آلمان» حمل می‌کردند.

«بسیاری از اعضا و مقامات» حزب ناسیونال دمکراتیک ملی آلمان (NPD) به عنوانی حزبی فاشیستی، به اعتراف خود در میان تظاهرکنندگان بوده‌اند. طی هفته‌های گذشته، حزب، اعضای خود را برای راهپیمایی‌ها بسیج کرده و از هواداران خود دعوت به شرکت نموده است.

حزب ناسیونالیست راست‌گرای «آلترناتیو برای آلمان» (AFD) نیز حاضر بود. سرپرست شاخه پارلمانی آن در براندنبورگ، یعنی الکساندر گولاند، حضور یافت. او سابقاً به تظاهرکنندگان به عنوان معترضین قانونی و مشروع علیه سیاست‌های ناکارآمد پناهندگی اشاره کرده و ادعا کرده بود که اکثریت عظیم پناهجویان که در آلمان زندگی می‌کنند، نه از

لحاظ سیاسی مورد اذیت و آزار قرار داشته اند و نه حتی پناهجو بوده اند.

بسیج کردن تفاله ها و پس مانده های جامعه که در «درسدن» به خیابان ها ریختند، نتیجه یک کارزار عامدانه است. طی هفته های گذشته، راهپیمایی های «درسدن» که در ابتدا بسیار کوچک بودند، مورد پوشش خبری وسیع و در ابعاد بی سابقه از سوی رسانه ها قرار گرفت.

گزارش ها، طیف وسیعی را شکل می دادند. از بی اهمیت شمردن معترضین به عنوان «غروند کردن های درهم و برهم از مردم» (به قول روزنامه Taz) تا خطاب کردن آن به عنوان «یک پدیده متناقض» (به قول سوددویچه ساینونگ) تا حمایت و تهییج آشکار برای آن (در روزنامه FAZ).

روز دوشنبه، برتولد کلر مسئول انتشارات FAZ با خوشحالی اعلام کرد که «اگر اتحادیه [ اتحاد حزب محافظه کار دمکرات مسیحی و حزب سوسیال مسیحی ] هم چون لاک پشت سر خود را از لاک بیرون می آورد و به آن چه رخ می داد توجه نشان می داد، دیگر لازم نبود که چماق نازی ها به حرکت درآید». کلر درخواست کرد که معترضین جدی گرفته

شوند و از حکومت خواست که «یک سیاست مهاجرت را پی بگیرد که قواعد و قوانین آن اکیداً متناسب با منافع کشور خودمان باشد». او عملاً برای الغای حق پناهجویی فشار می آورد.

نمایندگان حکومت فدرال نیز دیدگاه های مشابهی را نشان دادند. اوایل اکتبر، پیش از آغاز تظاهرات، وزیر داخله، توما دو مزیر (CDU) از اعتراضات علیه سکونتگاه های پناهجویان دفاع کرد و آن ها را «غیر قانونی» خواند. وقتی تظاهرات «درسدن» سرعت و شتاب گرفت، او از شرکت کنندگان پشتیبانی کرد و اعلام کرد که نگرانی های آن ها باید جدی گرفته شود.

رهبر حزب سوسیال دمکرات (SPD)، زیگمار گابریل نیز گفت که یکی باید وسط راه تظاهرکنندگانی را که احساس ناامنی می کردند و داشتند همراه با جمعیت می رفتند ملاقات می کرد. همکار حزبی او، روگر لونتس، رئیس وزارت داخله ناحیه راینلند، علاقه ای نداشت که به تظاهرکنندگان برچسب دست راستی یا خارجی ستیز زده شود. «وقتی تعداد زیادی از مردم بنا به دلایل خودشان به خیابان می ریزند، باید آن ها را جدی بگیرید».

حکومتی ایالتی زاکسن به طور اخص نسبت به حمایت از اعتراض کنندگان پرحرارت بود. نخست وزیر زاکسن، استانیسلاو تیلیچ (CDU) هفته گذشته تمایل اش برای ورود به گفتگو با حامیان «پگیدا» را اعلام کرد. وزیر داخله او، مارکوس اولبیگ (CDU) نیز گفت که «کاملاً اشتباه هست که به مردم برچسب بزنی و همه آن ها را دست راستی دسته بندی کنیم».

تیلیچ و اولبیگ مستقیماً در حال ادامه سنت های حامی نازی بیدنکوف در CDU - ایالت زاکسن - هستند. از ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۲، کورت بیدنکوف نخست وزیر بود و حکومت ایالتی او سنگری برای سیاستمداران ماوراء راست بود.

اشتفان هایتمان وزیر دادگستری او بین سال های ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۰ بود؛ هایتمان در سال ۱۹۹۳ نقداً برنامه ای را که امروز مطالبات محوری تظاهرات پگیدا را دربرمی گیرد، فرموله کرده بود. او پس از دیدار از اشتوتگارت و دیگر شهرهای آلمان غربی، اعلام کرد که با درنظر داشتن نسبت بالای افراد خارجی در کشور، احساس می کند «از سوی "غربتی" هایی که به ما تحمیل می شوند، مورد تهدید قرار گرفته» و به این نتیجه رسید که «آلمانی ها

باید در برابر شکست خوردن به دست خارجی ها محافظت شوند!». یکی از اخلاف هایتمان، توما دو مزیر، وزیر دادگستری زاکسن از سال ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۴ است.

هایتمان به خاطر همین اظهارات علنی خود مجبور بود که از کاندیداتوری اش برای سمت ریاست جمهوری حکومت فدرال در سال ۱۹۹۳ چشم پوشی کند. اکنون نه فقط باندهای دست راستی CDU، که همین طور بخش هایی از SPD نیز این گونه دیدگاه های ارتجاعی را ابراز می دارند. آن ها فراتر از مواضع هایتمان پیش می روند و به بسیج حمایت از تظاهرات نیروهای دست راستی پگیدا دست می زنند.

پگیدا، نه تجلی حرکت و چرخش عمومی مردم به راست، که یک کارزار سیستماتیک از سوی سیاستمداران و رسانه هاست. هدف از آن این است که تنش های روزافزون اجتماعی و سیاسی را به سوی مجاری ارتجاعی، هدایت و یک جنبش فاشیستی را ایجاد کند.

سال ۲۰۱۴ با احیای میلیتاریسم آلمان برجسته می شود. از زمانی که رئیس جمهور فدرال، یوآخیم گوک پایان منع مداخله نظامی را در آغاز سال اعلام کرد، حکومت فدرال این برنامه

اند که نیروهای ماوراء راست را بسیج کنند، همان طور که در سیاه ترین دوره تاریخ آلمان نیز چنین کردند.

این تغییر و تحولات، طبقه کارگر را با مخاطرات عظیمی رو به رو می سازد که باید با تدارک سیاسی خود به مقابله با آن پردازد. مبارزه علیه خطر فاشیسم به شکلی گریزناپذیر با مبارزه علیه میلیتاریسم و هیئت حاکم و احزاب سیاسی مشوق آن، گره خورده است. تنها یک جنبش کارگری مستقل متکی بر برنامه سوسیالیستی است که می تواند احیای راست افراطی را متوقف کند.

<http://www.wsws.org/en/articles/2014/12/19/peg-d19.html>

را با اتخاذ مسیر متخاصمانه علیه روسیه و «قانونی کردن» مشارکت سربازان آلمان در جنگ علیه داعش، تکمیل و اجرا کرده است. تنها همین چهارشنبه گذشته، کابینه فدرال تصمیم به اعزام نیروهای جنگجو به عراق گرفت.

این تحرکات جنگی از سوی به اصطلاح اپوزیسیون، یعنی سبزه ها و حزب چپ هم حمایت می شود. در عین حال، تبلیغات جنگی در رسانه ها آغاز شده و هر کسی را که جرأت کند علیه آن سخن بگوید، به باد ناسزا و دشنام می گیرد.

با وجود این تلاش ها برای ایجاد ارباب، اکثریت عظیم جمعیت با سیاست جنگی ضدیت دارد. به همین ترتیب، مخالفت با نابرابری اجتماعی و کاهش های ممتد در هزینه های اجتماعی، در سرتاسر اروپا رو به رشد است.

بسیج کردن انبوه افراد ماوراء راست در «درسدن»، بیانگر تشدید بیش تر کارزار است. چنین کارزاری به سرکوب این مخالفت ها، تقویت سیاست جنگی و انحراف توجه عمومی از حملات اخیر ضد اجتماعی، خدمت می رساند. نخبگان حاکم برای همین منظور مایل

## پگیدا و چرخش به راست در سیاست آلمان

کریستوفر درایا، ۳ ژانویه ۲۰۱۵

برگردان: آرام نوبخت، ویراستار: بتی جعفری

جنبش راست‌گرای «اروپایی‌های میهن پرست علیه اسلامی شدن غرب» (پگیدا) از همان آغاز اساساً به دست احزاب و رسانه‌های حکومت تولید شد. اکنون مقامات حکومتی در حال بهره برداری از بسیج این نیروهای راست افراطی برای سازماندهی یک چرخش به راست سیاسی و اجرای یک برنامه به شدت ارتجاعی هستند.

در شماره اخیر هفته نامه «در اشپیگل»، «هانس پیتر فردریش» (CSU)، وزیر داخله سابق و معاون رهبر کنونی «اتحاد» (اتحاد حزب دمکرات مسیحی و حزب سوسیال مسیحی یا CDU-CSU)، تظاهرکنندگان راست‌گرا را به آغوش می‌کشد و به پذیرش برنامه آن‌ها فرامی‌خواند.

ابتدا او می‌گوید «خواست مردم برای هویت فرهنگی»، در ریشه این تظاهرات‌های راسیستی قرار دارد. وزیر سابق می‌گوید که شرکت‌کنندگان «پرسش‌هایی به حق» را طرح می‌کنند، و ادعا می‌کند که «ما در

گذشته با مسأله هویت مردم و ملت خود بیش از حد ملایم برخورد کرده ایم».

او صدراعظم آلمان، آنگلا مرکل (CDU) را به «شنا کردن در مسیر نظرسنجی‌های اصلی» و نادیده گرفتن ارزش‌های محافظه‌کاران متهم می‌کند. به همین خاطر می‌گوید که حزب راست‌گرای «آلترناتیو برای آلمان» (AfD) به یک «خطر مهلک» برای «اتحاد» تبدیل خواهد شد.

پس برای جلوگیری از یک «اعتراض فرا پارلمانی از جانب راست»، اتحاد محافظه‌کار باید موضوعات و مسائل پگیدا و AfD را در نظر بگیرد. فردریش دفاع خود از پگیدا را با خواست یک سیاست «بیزینس-محور» مرتبط می‌کند. او خواهان «حفاظت از مالکیت» می‌شود و با کنترل بر حداقل دستمزد و اجاره مخالف می‌کند.

فردریش از حمایت «ولفگانگ بوسباش»، کارشناس امور داخله CDU برخوردار شد که به «تاگس اشپیگل» گفته بود: «اگر یک حزب راست میانه ایجاد شود، این چالشی برای "اتحاد" خواهد بود». سرپرست جناح نماینده بیزینس‌های خرد و متوسط در CSU، «هانس میشل باخ»، گفت: «اتحاد باید تضمین کند که اردوگاه بورژوازی دچار انشقاق نمی‌شود.

چنین شکافی، تنها به نفع چپ سیاسی خواهد بود.»

حزب CDU در «زاکسن» که پیوندهای نزدیکی با راست افراطی دارد، اعلام کرد که مطالبات پگیدا را اجرا خواهد کرد؛ «میشائل کرچمر»، دبیر کل فعلی CDU در «زاکسن» گفت: «ما می خواهیم ارزیابی صادقانه ای از چیستی شکست ها داشته باشیم».

او اعلام کرد که CDU در جستجوی تسریع روند درخواست های پناهندگی برای تضمین سرعت بخشیدن به دیپورت ها خواهد بود. پناهجویان باید «تلاش های بیش تری برای ادغام [در جامعه]» انجام دهند.

فشار این تبلیغات خارجی ستیز، در گفته های اقتصاددان صاحب نفوذ و سرپرست مؤسسه «ایفو» در مونیخ، یعنی «هانس ورنر سین» در روز دوشنبه در مجله «FAZ» مشهود بود. او با بازی ریاکارانه با اعداد سعی می کند اثبات کند که هزینه های مهاجرت به داخل برای حکومت به مراتب بیش تر از سهم این مهاجرین به جامعه است. از نظر او، آن چه نیاز است، «یک بحث غیر ایدئولوژیک درباره سیاست مهاجرت است و بحثی که هدف از آن این نباشد که گرایش های سیاسی هر یک بخواهند صحت خود را نشان دهند».

«سین»، در واقع نابودی دولت رفاه را در مرکز بحث قرار می دهد و آن را «آهنربایی برای جذب افرادی با مهارت پایین» می خواند. او پیشنهاد می کند که «اصل گنجایش، و دسترسی مهاجرین به مزایای دولت رفاه، باید محدود گردد». برای رسیدن به این هدف، الگویی را پیشنهاد می دهد که در آن مهاجرین در صورت نیافتن شغل طی شش ماه، بتوانند اخراج شوند. به علاوه، آن ها نباید از مزایایی نظیر معافیت مالیاتی یا حق فرزند در چهار سال نخست اقامت خود برخوردار شوند.

برنامه ای که «سین» فرموله کرده است، نه فقط علیه مهاجرین، که همین طور علیه کلیه کارگران آلمان هدف گرفته شده است. این برنامه، مهاجرین را به برده هایی بی حقوق تبدیل می کند که مجبورند برای فرار از دیپورت شدن، به کار تحت هر شرایطی تن در دهند. این ارتش بردگان مهاجر، در قدم بعدی باید به منظور درهم شکستن شرایط کاری کارگران و تضعیف بیش تر قوانین رفاهی مورد استفاده قرار گیرند.

ملاحظات کسانی مانند «فردریش»، «بوسباش» و «سین»، ماهیت پگیدا را روشن می کند. این جنبش، نه تجلی احساسات وسیع جامعه به شکلی خودانگیخته، که بسیج

آگاهانه تفاله ها و پس مانده های فاشیستی جامعه است. نخستین تظاهرات هفتگی کوچک پگیدا، نه فقط با توجه و پوشش وسیع رسانه ها رو به شد، که مورد حمایت نمایندگان تمامی احزاب نماینده در پارلمان نیز قرار گرفت.

«بودو راملو»، رئیس «حزب چپ» در ایالت «تورینگن»، تا «هورست سیهوفر»، سرپرست CSU، همگی تمایل سیاسی خود را به گفتگو با معترضین نشان دادند. روزنامه ها و ایستگاه های تلویزیونی، نوش داروی راست افراطی پگیدا را بالا آورده اند.

هوچی گری رسانه ها و تظاهرات های نمایشی، اکنون برای حقنه کردن سیاست های عمیقاً ارتجاعی مورد بهره برداری قرار می گیرند. مسأله نه صرفاً نابودی دولت رفاه در آلمان و سرتاسر اروپا (آن گونه که «سین» می خواهد)، بلکه میلیتاریزه کردن دوباره سیاست خارجی آلمان است. مواضع مهاجرستیز پگیدا مدتی است که با شکلی افراطی از امریکایی ستیزی و درخواست نقش مستقل برای آلمان در امور جهان، درهم آمیخته.

با وجود تبلیغات رسانه ای، اکثریت عظیم جمعیت آلمان با مأموریت های نظامی خارجی «بوندس ور» (نیروهای مسلح) مخالف هستند.

کارزار پگیدا به بسیج لایه های عقب مانده و راست گرا برای ارباب این مخالف ها خدمت می کند. مانند گذشته، بازگشت میلیتاریسم آلمان با احیای ناسیونالیسم و شووینیسم همراه می شود. هیئت حاکمه آلمان پس از فعالیت با فاشیست های «سوبودا» در اوکراین، اکنون رو به اراذل و اوباش خود در وطن کرده است تا اهدافش را متحقق سازد.

اکثریت عظیم جمعیت با راهپیمایی های راست گرایان مخالف است؛ در این راهپیمایی ها نمایندگان AfD همراه با شمار زیادی از عوامل سازمان فاشیستی «حزب ملی آلمان» (NPD) حرکت می کنند. تظاهرات های مخالف آن ها اغلب به طور قابل توجهی شرکت کنندگان به مراتب بیش تری را نسبت به متحدین پگیدا به صفوف خود جذب می کند.

تا پیش از کریسمس، وب سایت Change.org، طوماری اعتراضی را با عنوان «برای یک آلمان رنگین: یک میلیون امضا علیه پگیدا» راه انداخت. طی چند روز، بالغ بر ۲۴۵ هزار امضا جمع آوری شده است.



## آلمان: ده ها هزار نفر علیه جنبش راست- گرای «پگیدا» دست به اعتراض می زنند



کریستوفر درایا، ۲۷ دسامبر ۲۰۱۴

برگردان: آرام نوبخت، ویراستار: فرامرز عباد

روز دوشنبه، هزاران نفر از حامیان جنبش راست افراطی موسوم به «پگیدا» باری دیگر طی تظاهراتی در «درسدن» گردهم آمدند. به گفته پلیس، ۱۷ هزار و ۵۰۰ نفر در این تظاهرات شرکت داشتند که نسبت به هفته گذشته، ۲۵۰۰ نفر افزایش نشان می داد. در همان حال، ده ها هزار نفر در شهرهای مختلف علیه شوونیسم ضد مهاجرین و راسیسم، تظاهرات کردند و همین امر سیاستمداران را واداشت تا اعلام کنند که وارد گفتگو با تندروهای راست‌گرا خواهند شد.

«اروپایی های میهن پرست علیه اسلامی شدن غرب» (پگیدا) فراخوانی به تجمع در مقابل «خانهٔ اپرای زمپر» در «درسدن» دادند تا در

آن جا سرود مذهبی کریسمس را بخوانند. درست مانند هفته های گذشته، تعداد زیادی از افراطیون راست‌گرا از اقصی نقاط کشور با تعداد بی‌شماری پرچم آلمان از تقریباً تمامی ایالات این کشور، شرکت کردند.

شعارهای مهاجرت‌ستیز و راسیستی بر روی بنرها و پلاکاردها قابل مشاهده بود. به گفته پلیس، جوّ خشن در دهمین تظاهرات «پگیدا»، با حمله به یک معترض مخالف به اوج خود رسید، به طوری که او در اثر جراحات به بیمارستان منتقل شد.

در سایر شهرهایی که گروه های حامی جنبش افراطی راست‌گرا شکل گرفته بود، تنها چند صد نفر برای اعتراض تجمع کردند. در «بن» تظاهرات به وسیلهٔ یک مقام سابق نهاد فاشیستی «جوانان ناسیونال دمکرات» (JN)، یعنی «ملانی دیتمار» سازماندهی شد. در «لایپزیگ»، حامیان حزب راست و محافظه کار «آلترناتیو برای آلمان» (AfD) در حال برنامه ریزی تظاهرات برای ژانویه هستند.

ده ها هزار نفر در سرتاسر آلمان برای اعتراض به تظاهرات «پگیدا» به خیابان ها ریختند. تنها در «مونخ»، سازماندهان تخمین زدند که ۲۵ هزار نفر در مقابل خانهٔ اپرا برای اعتراض به

شووینیسیم مهاجرتستیز جمع کرده بودند. «درسدن» شاهد اعتراض بیش از ۵ هزار نفر بود. تظاهرات های دیگری نیز در «کاسل»، «بن» و «ورتسبورگ» رخ داد.

با وجود ابراز نگرانی حقیقی تظاهرکنندگان از راهپیمایی افراطیون راست‌گرا، سازماندهان در جستجوی این بودند که از موضوعات و مسائل محوری سیاسی اجتناب کنند و معترضین را به یک بن بست هدایت نمایند. کلیساهای نمایندگان حزبی و سازمان ها اعلام کردند که مبارزه علیه راست، کاملاً یک مسأله اخلاقی است، و ظهور ناگهانی «پگیدا» را به عنوان تحولی خودانگیخته تصویر کردند.

در واقع بسیج ته مانده ها و تفاله های راست-گرای جامعه، مرتبط با کمپین تعمدی در رسانه ها و محصول سیاستمداران کلیه احزاب بورژوایی اصلی است. اعتراضات از همان آغاز مورد پوشش رسانه ای اغراق آمیز و حمایت نمایندگان حکومت هم‌چون وزیر داخله، «توما دو مزیر» (از «اتحاد دمکرات مسیحی» یا CDU) قرار گرفت.

تصادفی نیست که تظاهرات ها در مرکز «زاکسن» مهندسی شده اند. ادغام حکومت ایالتی با نیروهای افراطی راست‌گرا در

«زاکسن»، بیش از هر یک از ایالات آلمان پیش رفته است.

نمونه و سرمشق این تحولات، «اشتفان فلات»، سرپرست سابق شاخه CDU در پارلمان ایالتی «زاکسن» است. تا پیش از وحدت مجدد آلمان، «فلات» عضو CDU در آلمان شرقی بود و اکنون به نمایندگی از سازمان بنیادگرای مسیحی «راهپیمایی برای زندگی» صحبت می کند که شدیداً با حق سقط جنین مخالف است. «فلات» برای متوقف کردن روند چپ، پیوندهای نزدیکی با یک گروه انشعابی مافوق محافظه کار به نام «آکسیون برای توقف روند چپ» دارد؛ این گروه با آن چه که «اسلامی شدن آهسته» آلمان می نامد، مخالفت می کند.

شاخه آن در «زاکسن» به خاطر پیوندهایش با افراطیون و وب سایت ضد اسلامی «Politically Incorrect» مشهور بود که اکنون به تظاهرات «پگیدا» فراخوان می دهد.

وزیر سابق دادگستری «زاکسن»، «اشتفان هایتمان» (CDU) در اواسط دهه ۱۹۹۰ «نگرانی عظیم» خود را «درباره جامعه غربی ما» اعلام کرده بود. او ضمن هماهنگی با خواسته های «پگیدا»، گفت: «در برخی

نواحی، دسته های زیاد اتباع خارجی در حال به خطر انداختن حق آلمانی ها برای درک هویت خود هستند».

گروه تروریستی راست‌گرای «تشکیلات زیرزمینی ناسیونال سوسیالیست» (NSU) توانست که سال ها در شهر «تسویکاو» در «زاکسن» به شکل زیرزمینی کار کند. شواهد قابل توجهی وجود دارد که این شبکه اساساً از عاملین وزارت اطلاعات و کارکنان پلیس تشکیل می شده است.

اقدامات خشونت آمیز جنایتکارانه تندروهای راست‌گرا در «زاکسن» اغلب به عنوان درگیری های غیر سیاسی نادیده گرفته می شود. هنگامی که تندروهای راست‌گرا، گروهی از مردم آسیای جنوبی را در شهر کوچک «موگن» با شعار «خارجی، بیرون!» تعقیب کردند و به آن ها حمله بردند، وزیر داخله «آلبرشت بوتولو» این عمل را «کشمکشی که تشدید شد» خطاب کرد. از نظر او هرچند «شعارهای افراطی راست‌گرا» مورد استفاده قرار گرفته بود، اما این به آن معنا نبود که انگیزه های افراطی راست‌گرا در پشت این جرم وجود داشته است.

با این حال قوه قضائیه «زاکسن» علیه کسانی که با افراط‌گرایی راست مخالف کنند، واکنش بی‌رحمانه ای نشان می دهد. هنگامی که هزاران نفر علیه یک راهپیمایی نازی ها در ۱۳ فوریه ۲۰۱۲ تظاهرات کردند، پلیس به واکنش وحشیانه ای علیه شرکت کنندگان دست زد. سپس دادیاری ایالت، اتهامی را علیه تظاهرکنندگان ضد نازی اقامه کرد.

«آلترناتیو برای آلمان» (AfD) همراه با بخش های زیادی از CDU، از تظاهرات راست‌گرایان حمایت می کند. رئیس AfD در «زاکسن»، «فروک پتری»، در ماه ژانویه نشستنی را با رهبران «پگیدا» فراخواند. «پتری» گفت «دیگران درباره پگیدا صحبت می کنند، ما با خود آن ها صحبت خواهیم کرد». «این یک نشست اولیه برای درک چیزی است که این افراد می خواهند و همین طور تبادل نظر بدون هرگونه الزام»

«الکساندر گولاند»، رهبر شاخه AfD در پارلمان ایالتی «براندنبورگ»، نخستین سیاستمدار رده بالا بود که هفته گذشته به تظاهرات «پگیدا» در «درسدن» پیوست. این سیاستمدار سابق CDU مطالبات اصلی

«پگیدا» را به عنوان «چیزهایی که هرکسی می تواند با آن ها موافق باشد» توصیف کرد.

حضور «گولاند» در اعتراضاتی که با پوشش خبری ژورنالیست ها همراه شد، ماهیت جنبش «پگیدا» را روشن می کند. قرارست عقب مانده ترین لایه های جامعه برای اعمال سیاست خارجی متخاصمانه جدید آلمان و حملات به کارگران بسیج شوند.

«گولاند» بیش از هر سیاستمدار دیگری مدافع این است. دو سال پیش، در مقاله ای در «تاگس اشپیگل» اعلام کرد که که آلمانی ها «رابطه ای مشکل دار با نیروی نظامی» دارند و «احترامی برای ارتش آلمان قائل نیستند». او به نفع شرکت در مداخلات نظامی علیه لیبی و سوریه گفت که این «وسواس منفعلانه» باید نهایتاً کنار گذاشته شود. او همانند بیسمارک اعلام کرد که موضوعات تعیین کننده روز، می باید با «خون و آهن» حل شود.

این برنامه اکنون قرار است با همکاری «پگیدا» تکمیل و اجرا شود. در این مورد، «گولاند» به عنوان معبری میان تندروهای راست گرا و CDU ایفای نقش می شود. او به خوبی به محافل ماوراء محافظه کار حزب اتحاد دمکرات مسیحی در «زاکسن» تحت رهبری «آلفرد

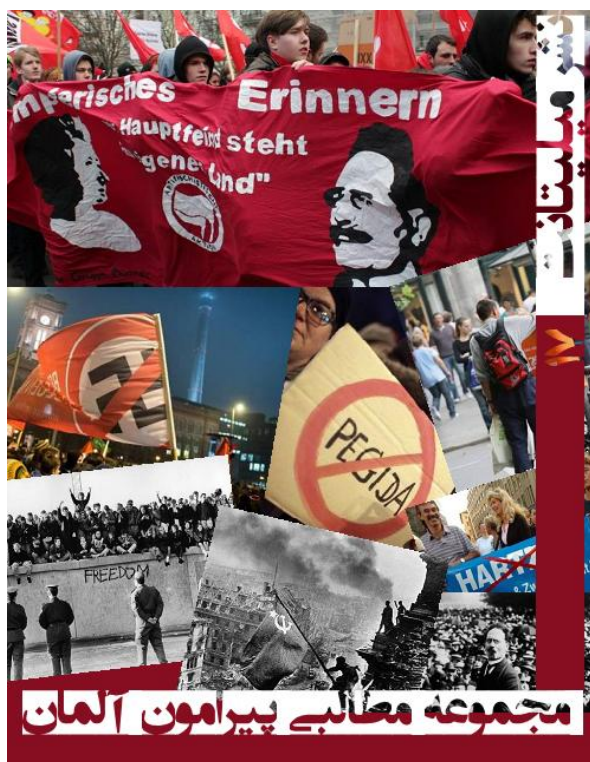
درگر»، وصل است و پیوندهای نزدیکی را با هکاران حزبی سابق خود حفظ می کند.

«فولکر بوفیر» به عنوان رئیس فعلی حکومت ایالتی در «هسن»، در اواخر دهه ۱۹۸۰ همراه با گولاند دبیر حکومت ایالتی «هسن» به ریاست «والتر والمان» (CDU) بود. امروز او می گوید که به تظاهرکنندگان «پگیدا» نمی توان «برچسب افراط گری» زد. در عوض باید آن ها «جدی گرفت» و با آن ها صحبت کرد.

با این وجود دست کم گرفتن و به آغوش کشیدن «پگیدا» محدود به طیف راست CDU نیست. آن ها به همان ترتیب که کلیه احزاب در احیای میلیتاریسم آلمان دخیل شده اند، درحال باز کردن مسیر به سوی نیروهای راست گرا هستند تا از طریق این سیاست ها اعمال قدرت کنند.

«هاینتس بوشکوفسکی»، شهردار منطقه «نیوکلن» در «برلین» از «پگیدا» حمایت کرد و در عوض به تظاهرکنندگان علیه آن ها حمله برد. سیاستمدار سوسیال دمکرات گفت که کاملاً طبیعی بود که مردم از خارجی ها هراس داشته باشند و سیاست رسمی می بایست به این ترس و نگرانی ها اهمیت دهد.

## نشر میلیتانت، شماره ۱۷، منتشر شد



برای دریافت به لینک زیر رجوع فرمایید:

<http://militaant.com/?p=5068>

نخستین رئیس ایالتی «حزب چپ»، «بودو راملو»، نیز به نفع گفتگو با تظاهرکنندگان «پگیدا» بود که انگیزه شان، ترس از گرفته شدن مشاغل آن ها به دست مهاجرین بود. «راملو» گفت که باید توضیح داده می شد که چنین ترسی بی اساس بوده است.

حمایت رسانه ها و سیاستمداران از «پگیدا» مستقیماً مرتبط با احیای سیاست خارجی متخاصمانه آلمان و میلیتاریسم است. درست مانند دهه ۱۹۳۰، باری دیگر تدارکات برای جنگ با تبلیغ هدفمند ناسیونالیسم و راسیسم و ایجاد سازمان های راست افراطی همراه می شود.

<http://www.wsws.org/en/articles/2014/12/27/dres-d27.html>



